

ویروس کرونا، مریگارتر شدن محل کار، جنبش کارگری و عدالت زیست محیطی

محمد صفوی



محل کار کارگران جهان، قبل از جهان‌گیرشدن ویروس کرونا (کووید-۱۹) نیز، همیشه مرگبار بوده است. گزارش‌های سازمان جهانی کار نشان می‌دهد، هر روز بیش از شش هزار کارگر در محیط‌های کاری غیربهداشتی و غیرایمنی در سطح جهان جان خود را از دست می‌دهند.

با آغاز همه‌گیری ویروس کرونا، از ماه دسامبر ۲۰۱۹ تاکنون - با گذشت بیش از سه ماه، محل کار میلیون‌ها انسان در سرتاسر جهان شرایط مرگبارتری به خود گرفته است. متأسفانه، در این مدت هزاران نفر از مردم جهان از اقصای اجتماعی متفاوت به‌علت ابتلا به ویروس کرونا جان خود را از دست داده‌اند. طی این مدت، زندگی میلیون‌ها انسان در جهان به اشکال گوناگون و مرگباری تحت تأثیر قرار گرفته است. اقتصاد سرمایه‌داری نه با اعتصاب عمومی کارگران جهان بلکه به سبب «عامل خارجی» - ویروس کرونا- دچار بحرانی عمیق شده و به حالت نیمه‌تعطیل درآمده است و میلیون‌ها کارگر و مزدبگیر مشاغل خود را از دست داده‌اند. تا آن‌جا که به اثرگذاری مرگبار ویروس کرونا در محل کار مربوط می‌شود، گزارش‌ها نشان می‌دهد میلیون‌ها کارگر خدمات بهداشتی و درمانی، شامل پرستاران و کمک‌پرستاران، پزشکان و سایر کارکنان بیمارستان‌ها، به‌خاطر کمبود وسایل ابتدایی ایمنی و پیشگیرانه مانند ماسک‌های مخصوص، پوشش مناسب، دستکش و تجهیزات کافی و ساعات کار طولانی و طاقت‌فرسا در محل کار خود قربانی ویروس کرونا شده‌اند. پیام‌های تصویری و تظاهرات خیابانی پرستاران عضو اتحادیه در ایالت‌های نیویورک، ایلینویز و کالیفرنیا در آمریکا نشان می‌دهد که نه‌تنها نظام درمانی در این ثروتمندترین کشور دنیا ناتوان و شکننده است بلکه بیمارستان‌ها با کمبود کادر درمانی، امکانات و تجهیزات پزشکی و کمبود تخت بیمارستانی توان مقابله با این وضعیت اضطراری را ندارند. خبرها از چین و اروپا نیز نشان می‌دهند که هزاران کارگر بهداشتی و خدمات درمانی از آغاز این اپیدمی تاکنون، به‌سبب کمبودها و ناکارآمدی مدیریت در بیمارستان‌های محل کار خود مبتلا به ویروس کرونا شده‌اند. در همین حال بخش عمده‌ای از کارگران آمریکا جایی که با تأسف بیش‌ترین میزان مرگ بر اثر ویروس کرونا را داشته است، به‌خاطر شیوع این ویروس در محل کار خود در اعتراض به ناامن بودن محل کار دست به اعتصاب و اقدامات اعتراضی زده‌اند. در مواردی که

کارگران در امریکا و اروپا دارای اتحادیه‌های کارگری بوده‌اند در برخورد با این بحران توانسته‌اند به میزان اندکی شرایط بهداشتی و ایمنی کار را با اتخاذ اقداماتی پیشگیرانه بهتر کنند. در مواردی نیز زیر فشار اتحادیه‌های کارگری کارخانه‌ها را تعطیل کرده‌اند. در کشور ما نیز با توجه به آمار تکان‌دهنده‌ی حوادث شغلی و مرگ‌ومیر فزاینده‌ی کارگران و دولتی که به‌نظر می‌رسد دغدغه‌ی صیانت از نیروی کار در دستور کارش نیست با شیوع ویروس کرونا محل کار میلیون‌ها کارگر و کارمند و مزدبگیر دو چندان مرگ‌بارتر شده است.

ویروس کرونا زمانی به کشور ما رسید که:

- طبقه‌ی کارگر و عموم مردم کشور ما در سال گذشته سال سخت‌تری را به لحاظ تورم، گرانی و بیکاری گسترده تجربه کرده بودند. از یک سو تحریم‌های اقتصادی و از سوی دیگر حوادث آبان ماه که در پی افزایش ناگهانی و سه‌برابر شدن قیمت بنزین به وقوع پیوست، عموم مردم را در شرایط دشواری قرار داد.

- به گفته‌ی ربیعی سخنگوی دولت بیش از ۶۰ میلیون نفر از مردم ایران محتاج و نیازمند گرفتن یارانه‌ی ناچیز دولتی بودند.

- بیکاری در بالاترین سطح خود بود.

- اعتراضات پراکنده‌ی کارگران، بازنشستگان، معلم‌ها و کادر پرستاری برای مطالبات معوقه‌ی مزدی و مزایا در سال گذشته در بالاترین حد خود بود و منابع تأمین اجتماعی که متعلق به کارگران و بازنشستگان است مورد هجوم دولت قرار گرفته است.

- دستمزدهای کارگران و مزدبگیران به پایین‌ترین سطح کاهش پیدا کرده و ارزان‌سازی نیروی کار در اوج قرار داشت.

- در سال گذشته میزان مرگ و مجروح شدن کارگران بر اثر حوادث و بیماری‌های شغلی خصوصاً در بخش معادن و ساختمان‌سازی، به شکل بی‌سابقه‌ای در بالاترین سطح خود نسبت به چند سال گذشته قرار داشت.

. در چنین وضعیتی بود که حکومت‌گران و مدیرانی که در رأس مدیریت وزارت بهداشت قرار داشتند، در بدو امر با بحران کرونا مانند یک آنفلونزای ساده برخورد

کردند. آنها مانع از اطلاع‌رسانی به‌موقع و دقیق به مردم شدند. با سهل‌انگاری به اجرای سیاست‌های پیشگیریانه و مراقبتی و قرنطینه‌کردن مردم برخورد کردند. به همین سبب ویروس کرونا با شدت و سرعت بر اقشار مختلف مردم تأثیر گذاشت و محل کار میلیون‌ها کارگر و مزدبگیر کشور برق‌آسا آلوده و مرگبارتر از گذشته شد. مرگبارترین تأثیر بر پیکر کادر بهداشت و درمانی کشور فرود آمد. گفتنی است که پیش از آغاز کرونا پرستاران و کمک‌پرستاران کشور در بیمارستان‌های دولتی و خصوصی در شرایطی دشوار کار می‌کردند و برای دستمزدهای معوقه، لغو قراردادهای پیمانی و عدم استخدام رسمی و علیه اخراج‌ها در حال مبارزه‌ی حق خواهانه‌ی خود بودند. در چنین شرایطی با اوج‌گیری شیوع ویروس کرونا و هجوم مردم بیمار به بیمارستان‌ها، بیش از ۱۰۰ پرستار و پزشک جان خود را در نخستین هفته‌ها، در مقابله با این ویروس از دست دادند (به نقل از فارین پالیسی، ۱۶ آوریل). این رقم متأسفانه بالاترین میزان مرگ کارگران بهداشت و کادر درمانی کشور در مقایسه با دیگر کشورهای جهان است. میزان بالای مرگ کادر درمانی کشور در بیمارستان‌ها نشان می‌دهد که بیمارستان‌های کشور و مجموعه‌ی دستگاه سلامت کشور به خاطر تحریم‌های بین‌المللی و سیاست‌های ناعادلانه‌ی داخلی فاقد امکانات کافی و پیشگیریانه و فاقد بودجه‌ی کافی برای تأمین تجهیزات کافی ایمنی و پزشکی است. گفتنی است که در بودجه‌ی سال جاری (۱۳۹۹) هزینه‌ی کل بودجه‌ی نظامی، به مبلغ بیش از ۱۱۷ هزار میلیارد تومان تعیین شده که این بیش از سه برابر کل بودجه‌ی سلامت و بهداشت عمومی کشور است.

در چنین شرایطی که پرستاران و کادر درمانی کشور بیش از هر زمان دیگر در شرایط بسیار آسیب‌پذیر در صف مقدم مبارزه با ویروس کرونا قرار دارند کم‌ترین اقدام برای بهبود شرایط کار آنان این است که حق داشتن تشکل و اتحادیه‌ی مستقل پرستاران و سایر کادر درمانی کشور به رسمیت شناخته شود. حقوق و مزایای معوقه‌ی آنان پرداخت شود. قراردادهای موقت ۸۹ روزه لغو شود. قراردادهای موقت کار تبدیل به قراردادهای رسمی و دائمی شوند. پرستاران اخراج‌شده دوباره به‌صورت رسمی استخدام شوند. محل کار آنان خصوصاً در این شرایط بحرانی ایمن و کم‌خطر شود. عدالت شغلی آنان تأمین شود. هرگونه تبعیض بر اساس جنسیت علیه پرستاران که

اکثریت آنان زن هستند برداشته شود و کار پرستاری در زمره‌ی مشاغل سخت و زیان‌آور قرار بگیرد.

تحقق چنین خواسته‌های عادلانه‌ای گرچه می‌تواند شرایط کار را بهبود بخشد و کمی از رنج کارگران و مزدبگیران بکاهد ولی با توجه به شدت بحران موجود این گونه مطالبه‌گری‌های محدود صنفی و سیاست‌هایی که به سرهم‌بندی حاشیه‌ها می‌پردازد ناکافی است. با جهان‌گیر شدن بحران ویروس کرونا همه‌ی ما در لحظه‌ای مشترک مقابل تجربه‌ی مشترک و تازه‌ای قرار گرفته‌ایم که وظایف تازه‌ای را می‌طلبد.

اقلیم‌شناسان، زیست‌شناسان و کارشناسان علوم اجتماعی مرتباً هشدار می‌دهند که پدیدار شدن ویروس‌های همه‌گیری مانند ابولا، سارس، زیکا و اکنون کرونا، رابطه‌ی مستقیمی با تخریب محیط زیست به‌دست عملکرد مخرب سیستم سرمایه‌داری و سوسیالیسم تولیدگرایانه‌ی^۱ است که در قرن بیستم در رقابت با سرمایه‌داری مدرن غرب شکل گرفت و رفتار فردی تک‌تک انسان‌ها در سطح جهان دارد. در چنین شرایطی آیا جنبش کارگری می‌تواند با آگاهی بر نقش ویرانی محیط زیست در شرایط زندگی خویش - موضوعی که ویروس کرونا از آن به‌روشنی رونمایی کرد - بین مبارزه برای حقوق صنفی و اجتماعی خود و مبارزه برای پاسداشت محیط زیست پیوند زند؟

جنبش کارگری و عدالت زیست‌محیطی

تاریخ تمدن بشری به‌ما می‌آموزد که جوامع انسانی از دیرباز در جنگ با محیط زیست بوده و از طبیعت بیش از اندازه برداشت کرده‌اند. به‌نظر پژوهشگران، در بعضی از

^۱ بنا به نظر جان بلامی فاستر، از نظر زیست‌بومی اتحاد شوروی در آغاز در اشکال مختلف اصلاحات محیط زیستی پیشگام بود. اما با برخاستن بوروکراسی استالینی در دهه‌ی ۳۰ قرن بیستم همه‌ی این اصلاحات در برابر هدف یگانه تولید رنگ باخت. اگرچه این کشور برخی از پیشرفته‌ترین قوانین حفاظت محیط زیست را تصویب کرد اما در عمل این قوانین نادیده گرفته شده و به اجرا درنیامدند. به‌نقل از کتاب زمین، سیاره‌ی آسیب‌پذیر، ترجمه‌ی محسن صفاری. ۱۳۹۵. ص. ۱۳۶.

دوران‌های تاریخی استثمار و تخریب یک‌جانبه‌ی طبیعت منجر به فجایع زیست‌محیطی و سقوط کلیت تمدن‌ها، مانند تمدن سومر و اینکا شده است. اگر در دوران پیشاسرمایه‌داری تخریب محیط زیست در سطح منطقه‌ای باقی می‌ماند اما با آغاز سرمایه‌داری و غلبه‌ی آن بر کره‌ی زمین میدان عملیاتی تخریب از سطح منطقه‌ای به سطح کل کره‌ی زمین انتقال یافته و استثمار طبیعت هر چه بیش‌تر جهانی شده است. اکنون در شرایطی قرار داریم که بیش از نیمی از جنگل‌ها که منزل‌گاه انواع ارگانسیم‌های زنده‌ی جهان هستند از بین رفته‌اند. در کشور ما نیز بنا به تحقیقات پژوهش‌گران، در هر ثانیه ۳۵۰ متر مربع جنگل و مرتع در ایران در حال نابود شدن هستند. به همین سبب گرمایش زمین و انقراض گونه‌های زیستی، ذوب شدن یخ‌های قطبی، فرسایش خاک، بیابان‌زایی، سیل، خشکسالی، نابودی تدریجی دریاچه‌ها، تخریب صخره‌های مرجانی و از بین رفتن جنگل‌ها با شدت بیش‌تری در سراسر دنیا در حال گسترش است. بی سبب نیست که طی چهار دهه گذشته بنا به نظر کارشناسان، جهان در هر دوره شاهد تکرار انواع بیماری‌های ویروسی همه‌گیر و کشنده‌تر هستیم که شوربختانه بیش از همه جان کارگران، تهی‌دستان و افراد فرودست را می‌گیرد. پرسش این است: در چنین شرایط بحرانی و تاریخی که جهان با ویروس کرونا درگیر شده است آیا جنبش کارگری می‌تواند به‌نوبه‌ی خود نقشی مترقی و پیشرو برای حفظ خود و بشریت و نسل‌های آینده ایفا کند؟

تا آن‌جا که به جنبش کارگری ایران مربوط می‌شود، این جنبش از آستانه‌ی انقلاب مشروطیت تاکنون نقش پیشرو برای بهتر شدن شرایط کار و زندگی ایفا کرده است. در هر دوره‌ای جنبش کارگری به‌اندازه‌ی توان و میزان رشد کمی و کیفی‌اش در دفاع از حقوق عادلانه کارگران و مزدبگیران کشورمان اقدامات تأثیرگذاری را انجام داده است. برای کسب آزادی، قانون‌مداری و رفع انواع تبعیض مبارزه کرده است. در دفاع از جامعه‌ی مدنی برای ایجاد تشکل‌ها و اتحادیه‌های کارگری خون‌دل‌های زیادی خورده است. علیه بی‌سوادی و برای آموزش و پرورش همگانی و رایگان تلاش کرده است. برای کاهش ساعات کار، ایمنی و بهداشت کار، امنیت شغلی و عدالت اجتماعی و اقتصادی تجربه‌ی مبارزات ارزنده‌ای را در کارنامه‌ی خود دارد.

اکنون در شرایطی قرار داریم که جنبش کارگری به‌نوبه‌ی خود و برای نگهداری از سلامت خود و اکثریت جامعه و پاسداری از بهداشت عمومی و تلاش برای تغییرات بنیادی نیاز به خیز بلند دیگری دارد. این جنبش نیازمند آن است که مبارزه برای عدالت زیست‌محیطی و پاسداری از طبیعت را نیز به‌عنوان یک ارزش مبارزاتی مهم در محور اصلی مطالبات خود قرار دهد. برای نمونه می‌بایست خواهان مشاغلی بود که عدالت نه‌تنها برای انسان (کارگر) بلکه عدالت برای محیط زیست و انواع گونه‌های زیستی موجود نیز رعایت شود. خواهان تصویب قوانینی باشد که زیر نظر نهادهای دموکراتیک اجتماعی به‌طور واقعی حافظ جنگل‌ها، منابع آب، پرندگان، جانوران و سایر منابع طبیعی باشد. جنبش کارگری پیشرو و مترقی به آینده‌ی تولید و کار به گونه‌ای دیگری باید بیندیشید که طبیعت و محیط زیست بیش از این خدشه‌دار نشود. از ایجاد مشاغلی و صنایعی دفاع کند که آلاینده‌ی زندگی و شهر و طبیعت نباشد. باید شیوه‌های بدیل تولید مشاغل، مانند تقویت تعاونی‌ها را در دستور کار خود قرار داد که هدفش در هماهنگی با طبیعت و تولیداتش برای رفع نیاز انسان و ساده‌زیستی باشد و نه تجمل‌گرایی و انباشت سود و تخریب طبیعت. باید به حکومت‌گران هشدار داد که ثروت و سرمایه‌ی عمومی را به‌جای اختصاص دادن به ساخت جنگ‌افزارهای مرگبار، به ایجاد مشاغلی اختصاص دهد که به‌نفع طبیعت و انسان و به‌نفع بهداشت و سلامت عمومی و ارتقای فرهنگی عموم باشد. به این نکته‌ی مهم نیز باید توجه داشت که طبیعت چیزی نیست که به‌عنوان واقعیتی خارج از جامعه انسانی یا خارج از نیروی کار در نظر گرفته شود که با آن هرچه خواستیم بکنیم. به همین سبب برای ایجاد یگانگی و وحدت با طبیعت، در مبارزه برای عدالت اجتماعی و اقتصادی باید در پی ایجاد نظمی کوشید که دموکراتیک و برابری‌خواه باشد و دلبستگی پایدار هم به انسان و هم به طبیعت داشته باشد و در نهایت اجتماعی کردن طبیعت و تولید را در نظم اقتصادی زیست‌بومی و پاینده در دستور کار خود بگذارد. درس‌های تاریخی و باستانی و بحران بیماری همه‌گیر اخیر به ما می‌آموزد که بدون مبارزه برای عدالت زیست‌محیطی و تلاش برای حفظ محیط زیست، در اساس هیچ تمدنی پایدار نخواهد ماند و عدالت و آزادی و پایداری برای تمدن‌ها و انسان نیز

فراهم نخواهد شد. این بحران همه‌گیر به ما هشدار می‌دهد که برای آینده‌ای سالم برای خود و نسل آینده، پاسداری و داشتن عشق واقعی به طبیعت و انواع زیست‌گونه‌ها می‌بایست به‌عنوان یک ارزش اخلاقی و اجتماعی مهم در محور اصلی تمام فعالیت‌های هر انسان و هر جنبشی قرار بگیرد.

نرجس خانعلی زاده یکی از پرستارانی که در محل کار خود به ویروس کرونا مبتلا شد و متأسفانه جان باخت.

